

*Research Article*

## The Method of Extracting the Humanities of the Qur'an Based on a Case Study: Structural Analysis of the Verses Related to the Story of Hud (pbuh) in Surah A'raf in Proving the Continuity of the Text of the Holy Qur'an

Mahnaz Rohani Balabad<sup>1</sup>, Susan Al-Rasoul<sup>2\*</sup>, Tahmineh Parsei<sup>3</sup>

### Abstract

Structural analysis is a systematic method to identify the pattern of relationships between a set of indicators. When there are several indicators in the study of a surah, to find the pattern of relationships between them, it is better to achieve this pattern through the structural method. This article uses the theory of purposefulness of surahs and the structural method based on the fact that the verses of the surah can be categorized according to the main purpose of the surah, using discourse analysis and bottom-up processing by dividing the text into.

Smaller units have emerged in response to how the context related to the story of Hud (pbuh) in Surah A'raf is related to other contexts and in relation to the main purpose of the surah. The context related to Hud (pbuh) expresses the behavior of the people towards their prophet and their end. Other contexts of the Surah state the cause of the behavior as obedience to the ancestors and neglect. The connection between the central context and the main purpose of Surah Tasla explains the Prophet's memory and the reasons for the behavior of the people in the age of descent.

**Keywords:** Structural connection, Surah A'raf, Hazrat Hud (pbuh), Structure of Surah, Context of verses

**How to Cite:** Rohani Balabad M, Al-Rasoul S, Parsei T., The Method of Extracting the Humanities of the Qur'an Based on a Case Study: Structural Analysis of the Verses Related to the Story of Hud (pbuh) in Surah A'raf in Proving the Continuity of the Text of the Holy Qur'an, Journal of Quranic Studies Quarterly, 2024;15(59): 107-122.

1. PhD Student of Quran and Hadith Sciences, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

2. Professor of Quran and Hadith Sciences Department, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

3. Assistant Professor of Quran and Hadith Sciences, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

## روش استخراج علوم انسانی قرآن بنیان مطالعه موردی: تحلیل ساختاری آیات مربوط به داستان هود(ع) در سوره اعراف در اثبات پیوستگی متن قرآن کریم

مهناز راحتی بلاباد<sup>۱</sup>، سوسن آل رسول<sup>۲</sup>، تهمین پارسائی<sup>۳</sup>

### چکیده

تحلیل ساختاری روشی نظام‌مند جهت شناسایی الگوی روابط میان مجموعه‌ای از شاخص‌ها است. زمانی که در مطالعه یک سوره، شاخص‌های متعددی وجود داشته باشد برای یافتن الگوی روابط میان آن‌ها بهتر است از روش ساختاری به این الگو دست یافت. این مقاله با استفاده از نظریه هدفمندی سوره‌ها و روش ساختاری مبنا بر این که آیات سوره قابل دسته‌بندی در جهت هدف اصلی سوره می‌باشند، با بهره‌گیری از تحلیل گفتمان و پردازش صعودی با تقسیم متن به واحدهای کوچک‌تر در پاسخ به چگونگی ارتباط سیاق مربوط به داستان هود(ع) در سوره اعراف با سایر سیاق‌ها و در ارتباط با غرض اصلی سوره برآمده است. سیاق مربوط به هود(ع) بیان‌کننده رفتار قوم نسبت به پیامبرشان و سرانجام آن‌ها می‌باشد. سیاق‌های دیگر سوره، علت رفتارها را تبعیت از نیاکان و غفلت بیان می‌کند. ارتباط سیاق محوری با غرض اصلی سوره تسلائی خاطر پیامبر و دلایل رفتار مردم عصر نزول را بیان می‌کند.

**واژگان کلیدی:** ارتباط ساختاری، سوره اعراف، حضرت هود(ع)، ساختار سوره، سیاق آیات

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۳. استادیار علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

نویسنده مسئول: سوسن آل رسول

## مقدمه و بيان مسئله

بسيارى از آموزه‌هاى قرآنى از طريق فنون ادبى به مخاطبان ارائه شده است از جمله اين فنون، داستان پردازى است كه به صورت واقعى در زمانى اتفاق افتاده و خداوند براى القاي مفاهيم آن‌ها را به كاربرده است. داستان‌هاىي كه در قرآن وارد شده بيشتر اختصاص به تاريخ انبياء و سرگذشت امم پيشين دارد تا مايه عبرت آموزى باشد (پژوهشنامه معارف قرآنى دانشگاه علامه طباطبايى، شماره ۳۲، ۱۰۳-۷۷). با بررسى سوره‌هاى قرآن، داستان حضرت هود(ع) را در سوره‌هاى اعراف، هود و شعرا مى‌توان پيگيرى كرد و در سوره ديگرى مانند: ابراهيم، مومنون، احقاف، فصلت، ذاريات، قمر، حاقه، صاد، حج، قاف و توبه، داستان قوم عاد بدون آوردن نام هود(ع) آمده است. مساله اصلى اين مقاله يافتن نقش هود(ع) در ساختارسياقى كه نام ايشان آمده و ارتباط ساير سياق‌هاى سوره با سياق مربوط به هود(ع) و ارتباط سياق‌ها در رابطه با غرض سوره اعراف مى‌باشد. با بررسى پژوهش‌هاىي كه در اين زمينه انجام شده است مى‌توان به پايان‌نامه ارتباط آيات سوره هود اشاره كرد كه نويسنده به اين نتيجه دست يافته است اگرچه آيات به صورت پراكنده و متناسب با زمان نزول نازل شده‌اند ولى نظم منطقى و كاملا حكيمانه بر آيات حكم فرماست و خطوط ارتباطى بين آيات سوره هود جست و جو شده است. مقاله تحليل عناصر داستانى در قرآن كريم، به جنبه‌هاى هنرى مسائل مربوط به شيوه داستان پردازى و تحليل عناصر داستانى قوم عاد و پيامبرشان هود(ع) پرداخته است. لکن مقاله حاضر با توجه به ارتباط ساختارى به ارتباط سياق مربوط به هود(ع) با ساير سياق‌ها و ارتباط آن‌ها با غرض اصلى سوره پرداخته است.

## ساختار گرايى

ساختارگرايى براى بيان شفافيت ماهيت سوره‌هاى قرآن و ارتباط تك‌تك اجزا و آيات و سياق‌ها مى‌باشد. ساختار به معنای مجموع روابط اجزا موجود در سياق آيات، در يك سوره و كل قرآن است و ساختارگرايى آن‌ها را به عنوان مجموعه منظم و يك شبكه در هم تنيده و در ارتباط با يكديگر بررسى مى‌كند. استفاده از اين روش براى كشف ارتباط ميان واژگان، سياق‌ها و سوره‌ها تاثيرگذارى بر مخاطب را بيشتر مى‌كند، علاوه برآن مى‌تواند جنبه ديگرى از اعجاز ادبى كلام خداوند را از نظر زيباشناسى روشن كند.

توجه جدى به هدف اصلى سوره از اوایل قرن چهاردهم هجرى توسط رشيدرضا در تفسير المنار آغاز شد. رشيد رضا براى مجموع آيات و سوره‌هاى قرآن، نوعى وحدت قائل است كه از آن به عنوان وحدت موضوعي ياد مي‌كند. منظور از وحدت موضوعي اين است كه در سوره‌هاى قرآن، مطالب متنوع مطرح مي‌شود كه در نهايت بر محوري واحد دور مي‌زند، آيات هر سوره نيز با هم اتصال و ارتباط دارند. دريافت

این خط اتصال، اهمیت ویژه در تفسیر صحیح قرآن و فهم حقیقت کلام الهی دارد (رشیدرضا، ۱۴۱۱ق: ۱/ ۲۴-۱۶). در قرن بیستم سید قطب کتابی در این زمینه چاپ کرد او معتقد بود که در فهم قرآن نگرش کلی سوره را باید مد نظر داشت (مجله منهج، شماره ۱، ۱۲۵). همچنین علامه طباطبایی نگارش تفسیر المیزان را با توجه به هدف هر سوره براساس فهم آیات به رشته تحریر درآورد.

از آن زمان تاکنون بحث نگرش ساختاری به قرآن کریم تغییرات زیادی کرد و قرآن پژوهان معاصر از جمله آیت الله معرفت با پذیرش این نظریه به نگارش تناسب موجود بین آیات پرداخت. ایشان تناسب بین آیات را از چند جهت قابل بررسی می‌داند: ۱- تناسب موجود در بین آیات در مورد آیاتی است که یک جا نازل شده‌اند ۲- ارتباط بین آیات یک سوره که دارای تناسب عقلانی می‌باشند ۳- تناسب بین سیاق هر آیه و کلمه آخر آن (فواصل) است که ارتباط لفظی و معنوی است که بلاغت و فصاحت آیات را بالا می‌برد ۴- تناسب لازم بین خاتمه سوره قبل با ابتدای سوره بعد (معرفت، ۱۳۷۳ ش: ۱۹-۱۷).

خامه‌گر برای کشف غرض و ساختار سوره‌ها قواعدی را ذکر می‌کند: برای انجام این کار باید به قواعد استخراج ساختار سوره تسلط داشت و مراحل زیر را طی کرد: ۱- توجه به پیوستگی لفظی و معنایی آیات و گفتارهای مستقل در سوره (سیاق) و عنوان بندی سیاق‌ها ۲- جمع بندی عناوین مشترک با توجه به کلمات کلیدی در هر سیاق و استفاده از آن در ذیل غرض سوره ۳- برای اطمینان از صحت استخراج ساختار و کشف غرض سوره، آیات آغازین و پایانی سوره، محور مشترک قصه‌ها و موضوعات تکرار شده باید بررسی شوند (خامه‌گر، ۱۳۹۲ ش: ۱۱-۱۰).

## تحلیل ساختاری

تحلیل ساختاری با هدف شناسایی روابط بین سیاق‌ها معرفی شده است. این روش به دنبال مشخص کردن روابط کلمات کلیدی که در سیاق مربوط به داستان هود(ع) آمده در رابطه با سایر سیاق‌ها و پیوند بین سیاق‌ها از طریق اشتراک یا تکرار کلماتی که در سیاق محوری آمده می‌باشد. هر سیاق یک ساختار را تشکیل می‌دهد و توانایی روش تحلیل ساختاری در شناسایی روابط بین سیاق‌ها و در نهایت شناسایی کلمات کلیدی سیاق‌ها در راستای هدف سوره است. این روش در مطالعه کیفی سوره‌هایی که به نظر دارای موضوعات مختلف و متغیرهای فراوان می‌باشند کاربرد دارد. همچنین این روش برای ارتباط بین شاخص‌ها یا کلمات کلیدی سیاق استفاده می‌شود. با استفاده از کلمات کلیدی که در سیاق محوری آمده می‌توان کلمات کلیدی سایر سیاق‌ها را شناسایی کرد.

## روش انجام تحلیل ساختاری

برای انجام این روش ابتدا شناسایی کلمات کلیدی، دوم شناسایی روابط بین کلمات کلیدی و گام سوم طراحی الگوی کلمات کلیدی مورد مطالعه است. برای انتخاب واژگان، واژه‌ها تا زمانی که درون یک ساختار نظام‌مند قرار نگرفته باشند معنی خود را القا نخواهند کرد مانند بحث تناسب که سیوطی آن را در آیات همان معنایی می‌داند که باعث ارتباط میان آن‌ها می‌شود (سیوطی، ۱۴۱۶ق: ۲/۲۸۹). مسلماً آیات یک سوره تناسب و ارتباطی با یکدیگر دارند وگرنه ضرورتی نداشت که پیامبر جای هر آیه را در سوره تعیین کند.

## پردازش صعودی

هدف از پردازش صعودی استنباط معیارهای طراحی یک سیاق یا یک سوره و یا ارتباط سور در کل قرآن می‌باشد. با جداسازی واژگان و تحلیل آن‌ها سعی در کشف ارتباط بین اجزا صورت می‌گیرد. کاربرد اصلی پردازش صعودی برای زمانی است که پاسخ سوال را می‌دانیم اما نمی‌دانیم این پاسخ چه سوالی است، یا سوال و پاسخ را می‌دانیم اما نمی‌دانیم مسیر و فرآیند رسیدن به این پاسخ چه بوده است. پردازش صعودی فرآیند حل مساله است که به جای آن که از سوال آغاز شود از پاسخ موجود آغاز می‌شود و از آن برای استخراج طراحی یا هدف نهفته در سوره و عموماً با هدف تحلیل سوره استفاده می‌شود.

## تحلیل ساختاری در لایه‌های واژگانی سیاق مربوط به هود(ع) و سایر سیاق‌ها در سوره اعراف

علاوه بر تناسب و ارتباط آیات در هر رکوع (سیاق) که پیوستگی و معنای واحدی را دنبال می‌کنند، کل سیاق‌ها در سوره هدف معینی را در جهت غرض سوره دنبال می‌کنند. اگر هر سیاق یک موضوع واحد داشته باشد ارتباط بین سیاق‌ها در جهت غرض اصلی سوره خواهد بود. با استفاده از آیات مربوط به هود(ع) در سوره اعراف به عنوان سیاق محوری که از آیات ۶۵ تا ۷۲ سوره اعراف را شامل می‌شود، بررسی سایر سیاق‌ها به منظور کشف ارتباط سیاق محوری با سایر سیاق‌های سوره اعراف صورت گرفته است. استفاده از کلماتی که در این سیاق بر آن تاکید شده یا نتیجه گفتگوی میان هود(ع) و قومش می‌باشد به عنوان کلمات کلیدی این سیاق انتخاب شده و سپس سایر سیاق‌ها با استفاده از واژگانی که در سیاق مربوط به هود(ع) آمده، به عنوان کلمات کلیدی هر سیاق انتخاب شده است، سپس وجه اشتراک و ارتباط سیاق‌ها با سیاق محوری و ارتباط آن‌ها در راستای غرض سوره مشخص شده است.

## داستان هود(ع) در سوره اعراف

سوره‌ی اعراف در ترتیب مصحف هفتمین سوره و پس از سوره‌ی انعام و پیش از سوره انفال قرار دارد. اهداف اساسی سوره اعراف بیان اصول کلی دین و مبانی دعوت الهی است، که عبارتند از توحید، نبوت و معاد(رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ ش: ۵۴-۵۱). سوره اعراف مشتمل بر ۲۴ سیاق می‌باشد و نام مبارک هود(ع) در آیه ۶۵ که درسیاق نهم سوره اعراف قرار دارد، آمده که این سیاق شامل آیات ۶۵ تا ۷۲ می‌شود:

«وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۶۵) قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (۶۶) قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَ لَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۶۷) أَبْلَغَكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَ أَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ (۶۸) أَوْ عَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَ أذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَ زَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَصْطَةً فَادْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۶۹) قَالُوا أَجِئْنَا لِنُعْبَدَ اللَّهَ وَ وَحْدَهُ وَ نَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا نَعِدُنَا إِن كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۷۰) قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَ عَذَابٌ أُتَّجِدِلُوكُنِّي فِي أَسْمَاءِ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ مَا نَزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ فَانْتَهَرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ (۷۱) فَانجَيْنَاهُ وَ الَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَ قَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بآيَاتِنَا وَ مَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ (۷۲)»

کلمات کلیدی سیاق: اخ، عبدوالله، تتقون، الملا الذين كفرو، سفاهه، الكاذبين، ناصح، امين، ابونا، برحمه، الذين كذبوا.

قوم عاد از اقوام عرب بودند که از نظر قدرت جسمانی و ثروت سرشاری که از طریق کشاورزی و دامداری به آن‌ها می‌رسید، ملتی نیرومند و قوی بودند، ولی انحرافات عقیده‌ای مخصوصاً بت پرستی و مفساد اخلاقی در میان آن‌ها وجود داشت. هود(ع) با آن‌ها رابطه خویشاوندی داشت(طبرسی، ۱۴۱۲ ق: ۹/۱۵۳-۱۴۸) و از طرف پروردگار مامور دعوت آن‌ها به سوی حق و مبارزه با فساد گردید. تعبیر به آخاهم به معنی افرادی است که از یک قوم و هم زبان باشند. علاوه براین واژه اخ و تعبیر یاقوم، احساسات و عواطف آن‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد و جاذبه بیشتری ایجاد می‌کند. بانوجه به آیه(وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ، ابراهیم: ۴) هم زبان بودن وسیله‌ای برای مفاهمه است به همین علت انبیا از بین قوم خود مبعوث می‌شوند و اولین دعوت آن‌ها برای بیدار کردن توحید در فطرت انسان‌ها و نفی شرک است(جوادی آملی، ۱۳۹۰ ش: ۹۹/۲۹). هود(ع) دعوت خود را از توحید و مبارزه با شرک شروع کرد. از آن جا که داستان قوم عاد عطف بر داستان قوم نوح شده ایشان بعد از نوح مبلغ پیام‌های الهی و از تعالیمش دعوت به تقوا بود. به دلیل بی تقوایی قوم عاد از طرف هود(ع) مورد سرزنش قرار می‌گرفتند.

روش هود(ع) صراحت در بیان بود و مورد اعتماد و خیر خواه آنان بود ولی از طرف اشراف و بزرگان قوم مورد اتهام سفاهت و دروغ‌گویی قرار گرفت. تهمت سفاهت (به خاطر رها کردن دین قومش) و دروغ‌گویی (به خاطر ادعای رسالت) را با اطمینان به او نسبت دادند. ولی هود(ع) همه مردم را مخاطب قرار داد (چون مخاطبان رسول همه مردم هستند نه فقط قشر خاص) و فرمود: سفاهتی در من نیست و رسولی از جانب پروردگارم. بدون بکاربردن تاکید در کلام، با یادآوری نعمت‌هایی که خداوند به آن‌ها داده بود، خواست که خدا را عبادت کنند. ولی قوم به علت خوگرفتن بر رفتارهای پدرانشان تعصب به خرج دادند و از عقلشان تبعیت نکردند، در نتیجه عذاب و غضب پروردگار بر آن‌ها واقع شد. هود(ع) و کسانی که به او ایمان آورده بودند به واسطه رحمتی خاص از جانب خداوند که ویژه مومنان است نجات یافتند و کافران به دلیل تکذیب آیات و رسالت هلاک شدند.

### اشتراکات و افتراقات با سیاق قبل و بعد

هشتمین سیاق سوره اعراف در مورد قوم نوح و از آیات ۶۴-۵۹ می‌باشد. چون بحث در این جا، ولایت و انحصار ربوبیت به خدای متعال است، مسأله اصلی که در این آیات مورد توجه قرار می‌گیرد، موضوع بندگی خدا است. به دلیل اهمیت این موضوع، یکی از اصلی‌ترین محورهای دعوت انبیا، بندگی خدای تعالی بوده است.

سیاق قبل (نوح) با سیاق محوری هم از لحاظ لفظ و معنا با یکدیگر هماهنگی دارند جز در مواردی که بیان می‌شود. وجه اشتراک این سیاق با سیاق محوری در کلمات «إِعْبُدُوا اللَّهَ، الْمَلَا، نَاصِح، كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا» می‌باشد. هم نوح و هم هود(ع) در اولین دعوت خداپرستی را مطرح کردند، مخالفان آن‌ها ملا قوم بودند، هردو پیامبر خود را ناصح معرفی کردند و قوم هردو قوم تکذیب کننده آیات بودند. تفاوت این دو سیاق این است که قبل از قوم نوح هیچ امتی عذاب نشده بودند و اولین امتی بودند که بر آن‌ها عذاب نازل شد به همین علت نوح می‌فرمود: «إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ» هود(ع) برای یادآوری از عذاب فرمود: «أَفَلَا تَتَّقُونَ». مورد دوم: قوم نوح به او گفتند: «ما تو را در گمراهی آشکار می‌بینیم» اما قوم هود(ع) به وی گفتند: «می‌بینیم که به بی‌خردی گرفتار شده‌ای و پنداریم که از دروغ‌گویان باشی». اختلاف این دو تعبیر بدان سبب است که نوح کشتی می‌ساخت، در حالی که دریایی وجود نداشت و این کار در ظاهر نشان‌دهنده نادانی است. ولی هود(ع) به قومش گفت خدایی جز خدای یکتا نیست، تقلید از نیاکان را رها کنید، آن‌ها گفتند: این سخن هر بیخردی است. مورد سوم: نوح به قومش گفت: «شاید مورد رحمت قرار گیرید». هود به قومش گفت: «باشد که رستگار گردید». هدف نوح از «رحمت» دفع عذاب از قومش و منظور هود از «رستگاری» هدایت به راه راست بود. البته، هر دو مقصود وابسته به یکدیگرند (مغنیه، ۱۳۷۸ ش: ۳/ ۵۴۱-۵۳۸).

در سیاق قبل بزرگان قوم نوح با اشاره به نبوت، خود را رسولی از جانب رَبِّ الْعَالَمِينَ نامید. توجه به ربِّ الْعَالَمِينَ به علت نزاع بر ربوبیت بود که در سیاق هود(ع) هم آمده است.

سیاق بعدی از آیات ۸۴-۷۳ و در مورد قوم ثمود و پیامبرشان صالح می‌باشد. در ابتدای سیاق از صالح به نام اخوهم یاد شده است که با سیاق محوری اشتراک دارد. قوم ثمود خدا را قبول داشتند، اما گرفتار شرک در پرستش بودند. تمام پیامبران مردم را به یکتا پرستی امر می‌کردند و هیچ کدام از آن‌ها بر خلاف دیگری سخن نگفته و این اتفاق دلیل بر حقانیت آن‌ها است که از نزد خداوند مبدء عالم مبعوث شدند و تمام افراد بشر در هر زمان مأمور به پرستش خداوند هستند و احدی در ترک آن معذور نیست (امین، بی تا: ۲۳۶/۵). یادآوری نعمت‌ها و نهی از فساد از توصیه‌های دیگر صالح بود ولی بزرگان قوم از مستکبران سخنان صالح را انکار کردند. در اثر انکار و ظلمی که نسبت به آیات داشتند خداوند آن‌ها را با جرفه عذاب کرد. قومی که پروردگار حقیقی را نشناسد و خود را بی نیاز از وی بشمارد، لاجرم به فساد و سرکشی در زمین رو می‌آورد و جزای آن‌ها عذابی درد آور (راغب، ۱۳۶۹ ش: ۱/۱۸۶) است. اشتراک این سیاق با سیاق محوری در کلمات «أَخَاهُمْ، اَعْبُدُوا اللَّهَ، آلاءَ اللَّهِ وَ نَصَحَت» می‌باشد. در ادامه سیاق داستان قوم لوط آمده که بیان کننده سرنوشت افرادی است که پیامبرشان را نافرمانی کردند و چون از کلمه «أَخ» استفاده نشده می‌توان گفت که لوط از قوم نبود.

در دو سیاق قبل نوح و هود(ع) به عنوان ناصح، قوم را به عبودیت و تقوا توصیه می‌کردند ولی در سیاق ثمود از فساد هم نهی شده است. در سیاق اول بزرگان قوم به نوح تهمت زدند. در سیاق دوم بزرگان کافر قوم و در سیاق سوم بزرگان مستکبر قوم، بنابراین اشراف و بزرگان هر قوم نقش مهمی در هدایت جامعه به سوی رحمت یا عذاب را دارند و علت انکار و کفر آن‌ها به خاطر تکبرشان است (شهیدی، ۱۳۸۸ ش: ۱۳۶-۱۲۷) که مایه نابودی خود و جامعه می‌شوند.

### پدازش سعودی سیاق محوری با سایر سیاق‌های سوره اعراف

هریک از سیاق‌های بیست و چهارگانه سوره اعراف در کلماتی با سیاق محوری در اشتراک هستند. هدف کلی سوره منافاتی با اهداف آیات موجود در سوره ندارد. بدست آوردن هدف اصلی سوره، با مطالعه آیات در سیاق و ارتباط سیاق‌های سوره که با اهداف متنوعی می‌باشند حاصل می‌شود.

### ارتباط سیاق‌ها در سوره اعراف براساس سیاق محوری

از بررسی سیاق‌ها به دست آمد: دوری از شرک و حرام بودن شرک و ارتباط آن با سیاق محوری در عبارت «اَعْبُدُوا اللَّه» می‌باشد. پیامبران افرادی از خود قوم و ناصح و امین مردم هستند و برای هدایت مردم فرستاده شده‌اند. دعوت پیامبران همواره به عبادت خدا و سفارش به تقوا بوده است که ایمان و تقوا موجب دفع بلا و نزول برکات می‌شود. رعایت احکام و دستورات دین و استغفار بدرگاه خداوند



موجب پرهیزگاری است و متقین سرانجام و جایگاه نیک خواهند داشت. در صورت استغفار رحمت خداوند هم باید شامل حال انسان بشود. رحمت از جانب خدا ویژه مومنین است. کتاب خدا رحمتی برای مومنین است، ارسال رسل از جانب رب العالمین از نعمت‌های خداوند بر بندگان است. باران از رحمت خداوند است. آیات موجب بصیرت و رحمت مومنان است. رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است و شامل حال متقین و مومنینی است که از رسول تبعیت می‌کنند و به او ایمان دارند و رستگار می‌شوند. اگر رحمت خدا شامل حال مومنان نباشد از خاسرین خواهند بود. ولی استکبار جویی موجب قبول نکردن حق و وارد شدن به عذاب است.

نافرمانان همواره از مستکبران اشراف هستند که بر تصمیم‌گیری‌های رهبر جامعه تأثیر می‌گذارند. کبر موجب نافرمانی و نافرمانی رسول، ظلم به خویشان و موجب عذاب در قیامت است. تکبر و تکذیب آیات موجب وارد نشدن به بهشت است. تکذیب کنندگان متکبران هستند که به خاطر تکذیبشان ایمان نمی‌آورند و به رسول تهمت می‌زنند، اعمالشان حبط می‌شود و به تدریج عذاب می‌شوند چون عمین (کوردل) هستند، آن‌ها از عذاب گذشتگان عبرت نمی‌گیرند و عذاب‌ها را حوادثی می‌دانند که به گذشتگان رسیده است.

با عبرت از رفتار گذشتگان نباید از شیطان پیروی کرد که به خاطر عمل سفهاء ممکن است همه عذاب شوند. افراد بانقوا در وسوسه‌های شیطان به خود می‌آیند و بصیرت پیدا می‌کنند. آن چه موجب غفلت و تکبر و تکذیب می‌شود فراموشی ذکر «رَب» است. آدم بنا بر فطرت به ربوبیت خداوند شهادت داد ولی با تبعیت از پدران و از روی هوای نفس آیات را تکذیب کرده و با این کار به خود ظلم می‌کند. از ارتباط سیاق‌های سوره می‌توان علت عدم پذیرش توحید، تکذیب آیات و نافرمانی مشرکان و کافران را تبعیت از نیاکان و غفلت دانست که موجب ظلم به خویشان و وارد شدن به عذاب می‌شود. هرکاری در اخلاق، اعمال و عقاید به توحید برمی‌گردد، اگر عقیده انسان به یگانگی رَب باشد از این عقیده، عقاید دیگر نشأت می‌گیرد.

### عناصر درون متنی سوره اعراف

علاوه بر سیاق‌ها، آیات آغازین و پایانی، اسماء الحسنی، سوگندها، شخصیت‌ها و داستان‌های به کار رفته در سوره از عناصر درون متنی هستند که برای کشف غرض سوره می‌توان از آن‌ها بهره برد (پژوهشهای قرآنی، شماره ۲، ۴-۲۵).

### آیات آغازین و پایانی

درسوره‌های بلند، توجه به رکوع اول و آخر، در جهت تشخیص محور موضوعی سوره بسیار مفید است. رکوع نخست حالت مقدمه و رکوع آخر در جایگاه نتیجه قرار می‌گیرد. با تمرکز بر این دو رکوع

می‌توان محور موضوعی سوره‌های بلند را در نظر گرفت، محور موضوعی از جنس معنا و مفهوم است و با تدبر در ساختار سوره بدست می‌آید (لسانی فشارکی، محمدعلی، ۱۳۹۴ ش: ۱۲۹). حتی بدون مطالعه سایر آیات و تنها با توجه به آیات ابتدایی و انتهایی سوره می‌توان به موضوع اصلی سوره پی برد (خامه‌گر، ۱۳۹۵ ش، ۱۷۰).

در این بخش ارتباط آیات ابتدایی و پایانی سوره اعراف در ارتباط با سیاق محوری که در مورد هود(ع) می‌باشد بر اساس کلمات کلیدی به کار رفته در سیاق بررسی خواهد شد. برای به دست آوردن ارتباط میان آیات آغاز و پایان و سیاق محوری از کلمات و عبارات مشترک در سیاق یا موارد تاکیدی و تکرار یا کلماتی که نتیجه گفت و گو را بیان می‌کند استفاده می‌شود.

سیاق ابتدایی خطاب به پیامبر است و قرآن را دربردارنده آیات الهی بیان می‌کند و پیامبر مامور به تبلیغ و دعوت مردم به سوی آن شده است. قرآن مردم را به تبعیت از آیات و دوری از شرک فرا می‌خواند. در این سیاق ذکر را به مؤمنین اختصاص داده و دلیل بر این است که انذار شامل مؤمنین و غیر مؤمنین می‌شود. در ادامه سیاق سنتی را خاطر نشان می‌سازد که خداوند در مشرکین امم گذشته جاری ساخته است: وقتی مردم غیر از خدا اولیای دیگری اتخاذ کردند خداوند آنان را به عذابی هلاکشان ساخته و پس از دیدن عذاب به ظلم خود اعتراف نمودند. در آیه انتهایی سیاق عده بسیار کمی از مردم را شکرگزار نعمت‌های خداوند می‌داند.

در سیاق مربوط به هود(ع) آیات ۶۵ تا ۷۲ یک نمونه از این مردم را که در سیاق ابتدایی به طور اجمال بیان کرد به تفصیل آورده است. هود(ع) مردم را به خداپرستی و دوری از شرک دعوت می‌کرد ولی با تهمت‌های ناروا از جانب قوم مواجه شد. او باره تهمت‌ها و ناصح امین نامیدن خود سعی کرد مردم را مجاب کند تا دعوت او را بپذیرند ولی نافرمانی کردند و عاقبت عذاب شدند.

سیاق انتهایی در مورد فرزندان آدم است که قبل از دادن نعمت ادعای شکرگزاری می‌کند و چون به او داده می‌شود فراموش کرده و برای خدا شریک قرار می‌دهد، پس عدم شکرگزاری اکثریت مردم که در سیاق ابتدای سوره آمده بود در سیاق انتهایی تکرار شده است. در آیات بعد سعی در بیدار کردن منطق دارد و دوباره خطابی که در سیاق ابتدای سوره بود به پیامبر باز می‌گردد و برای دلداری دادن به پیامبر و ایمان نیاوردن مردم دستوراتی را برای ایشان متذکر می‌شود (امین، بی تا: ۳۳۴ / ۵). آوردن سیاق مربوط به هود(ع) یک نمونه برای پیامبر می‌باشد. از شرایط که هود(ع) با آن مواجه بود و رفتاری که قوم با او داشتند تا پیامبر بداند که پیامبران قبلی هم، دارای شرایطی مشابه ایشان بودند. ظاهر آیات خطاب به پیامبر است در حالی که همه مومنان مورد خطاب هستند.

## اسماء الحسنی

از راه‌های پیدا کردن غرض سوره بررسی آماری اسماء الحسنی در سوره است که با استفاده از معنای لغوی اسماء، رابطه آن‌ها با غرض اصلی سوره و ارتباطشان با سیاق محوری کشف خواهد شد. در سوره اعراف اسماء الحسنی به این ترتیب می‌باشند: «رَبِّ الْعَالَمِينَ» ۵ مرتبه، «خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» ۱ مرتبه، «خَيْرُ الْفَاتِحِينَ» ۱ مرتبه، «أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» ۱ مرتبه، «خَيْرُ الْغَافِرِينَ» ۱ مرتبه، «غَفُورٌ» ۲ مرتبه، «رَحِيمٌ» ۲ مرتبه، «سَمِيعٌ» ۱ مرتبه، «عَلِيمٌ» ۱ مرتبه آمده است.

نام جلاله «الله» در این سوره ۶۱ بار و نام «رَب» با احتساب «رَبُّ الْعَالَمِينَ» ۶۵ بار تکرار شده است. در سیاق مربوط به هود(ع) در سوره اعراف نام «الله» ۴ بار و «رَب» ۴ بار آمده است. تکرار این کلمات در کل سوره (رَب ۴ بار بیشتر از الله) و با توجه به معنای لغوی «رَب»، پرورش و تربیت کردن انسان‌ها با توجه دادن به صاحب تمام موجودات و عالمین که «الله» است، می‌باشد چون تکرار واژه «الله» ۴ بار کمتر از «رَب» بوده است. در سیاق مربوط به هود(ع) که تکرار این دو کلمه برابر است، نشان دهنده این است که هود(ع) می‌خواست آن‌ها را متوجه کند رَب شما همان الله است، چون مردم عبادت بت‌ها و تقلید از نیاکانشان را باور داشتند.

با توجه به اسماء الحسنی به کار رفته و محتوای سیاق‌ها، ربوبیت را مخصوص «الله» بیان می‌کند. تکرار «رَبِّ الْعَالَمِينَ» اشاره دارد که خداوند در دو عالم رَب شماست. او دانا و شنوا به کارهای شما است در عین این که غفور و رحیم است. او خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (بهترین داور)، خَيْرُ الْفَاتِحِينَ (بهترین گشاینده)، أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (مهربانترین مهربانان) و خَيْرُ الْغَافِرِينَ (بهترین پوشاننده گناهان) است. اگر مردم در ایمان و اجابت دعوت رسول دو دسته باشند اوست که بهترین داور است. اگر کسی بخواهد بسوی برگردد راه را نشان می‌دهد، به بندگان مهربان است و گناهان آنان را می‌پوشاند.

## شخصیت‌های مطرح در سوره

شخصیت‌های سوره و ارتباطشان با سیاق مربوط به هود(ع) و غرض سوره در این قسمت بررسی خواهند شد. ابتدای سوره در مورد فریب آدم و همسرش از شیطان است که باعث هبوطشان شد. نوح، هود(ع) و صالح مردم را به توحید و ترک شرک دعوت می‌نمودند و مردمی که از قوم خود پیامبر بودند آن‌ها را انکار می‌کردند. در ادامه سوره از شخصیت لوط نام برده است. لوط از پیروان شریعت ابراهیم(ع) بوده، به خلاف هود و صالح که از پیروان شریعت نوح بودند. شخصیت بعدی شعیب می‌باشد و دعوت او مانند نوح و هود(ع) و صالح بوده، سپس در مورد موسی سیاق را تغییر داده و فرمود: «ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَى» برای اینکه موسی(ع) سومین پیامبر اولوالعزم است. چون سیر بشر از نقص به سوی کمال تدریجی است و استعداد قبول معارف الهی در هر عصری با عصر دیگر مختلف است پس شریعت‌ها از نظر اجمال و تفصیل متفاوتند. شخصیت دیگری که در سوره اعراف ذکر شده و نام او به

طور مشخص نیامده ولی بر اساس تفسیری (طبرسی، ۱۳۸۴ ش: ۱۰/۱۱۴) که در مورد این آیه آمده، بلعم باعورا می‌باشد: «وَأَنْتَ عَلَيْهِمْ نَبَأُ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا» که حجت‌ها به او دادیم ولی خود را به جهالت افکند پس شیطان او را دنبال کرد تا گمراهش کند و سرانجام گرفتار گمراهی و هلاکت شد. ارتباط شخصیت‌هایی که در سوره اعراف آمده با سیاق هود(ع)، در پیام رسالت و نوع دعوت آن‌ها است. ابتدای سوره خطاب به پیامبر می‌باشد و ایشان از نژاد عرب بودند. نوح، هود(ع) صالح، لوط و شعیب همگی از نژاد عرب بودند(سیوطی، ۱۴۰۴ ق: ۳/۹۴) و به منطقه‌ای مامور شدند که اعراب زندگی می‌کردند و در طول دعوت خود با مشکلات و سختی‌هایی مواجه شدند. نام بردن از این پیامبران موجب می‌شود پیامبر بتواند سختی‌هایی را که در مسیر رسالت دارد بهتر تحمل کند و بداند پیامبران قبل هم با مشکلات و سختی‌هایی در مسیر دعوت مواجه بودند. در ادامه سوره آمدن نام موسی به خاطر داشتن کتاب و شریعت وجه اشتراکشان با پیامبر می‌باشد.

در ابتدای سوره، علت سجده نکردن شیطان را برتری جویی و تکبر بیان کرده است. توصیه به بنی آدم برای فریب نخوردن از شیطان و تبعیت از پدران از مواردی است که در آیه ۲۷ و ۲۸ به انسان تذکر داده شده است. سرگذشت بلعم باعورا که در انتهای سوره آمده شبیه سرگذشت اقوام تمام پیامبرانی است که در سوره اعراف آمده است که با تبعیت از هوای نفس از شیطان تبعیت کردند و از نظر معنوی دچار هبوط شدند. کسی که همواره از هوای نفس خود پیروی می‌کند و به گمراهی‌اش ادامه می‌دهد، در هر حال گمراه است(مغنیه، ۱۳۷۸ ش: ۳/۶۵۳)، با ادامه دادن گمراهی و اصرار بر آن در زمره مکذبان می‌شود و به عذاب الهی گرفتار می‌آید.

### داستان‌های سوره

ارتباط داستان‌های سوره با سیاق مربوط به هود(ع) و غرض سوره بررسی خواهند شد. قصه‌پردازی و گفتمان‌های روایی در ادبیات امروز، از ابزارهای مهم القای مفاهیم به شمار می‌روند. به همین سبب، قرآن برای عمق بخشیدن به مقصود مورد نظر خود از شیوه بیان قصه استفاده کرده است. داستان‌های قرآن، سخن خداوند است که عاری از نقص و عرضة تصویر واقعی و عبرت‌آمیز از حوادثی است که روزی اتفاق افتاده است(پژوهشنامه معارف قرآنی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۳۲، ۱۰۳-۷۷).

در ابتدای سوره داستان آدم و سجده نکردن شیطان براو، سرانجام مخالفت شیطان با دستورات الهی رانده شدن از درگاه الهی و سرانجام نافرمانی آدم هبوط بود، در راستای غرض سوره که سرانجام مخالفت با آیات و دستورات الهی است، می‌باشد. داستان‌های دیگری که در سوره اعراف آمده شامل: داستان نوح و اینکه چگونه مردم را به توحید و ترک شرك دعوت می‌نمود، تعقیب و دنباله آیات قبل است

که راجع به دعوت به توحید و نهی از شرک و تکذیب آیات خداوند بود و به منظور تکمیل همین بیان، داستان عده دیگری از انبیاء از قبیل هود(ع)، صالح، شعیب، لوط و موسی را ذکر می‌فرماید. بعد از نوح داستان هود(ع) آمده است، سرانجام مخالفت قوم هود(ع) با پیامبرشان و تکذیب او، گرفتار شدن به عذاب و قطع شدن دنباله آن‌ها بود. داستان بعدی در مورد قوم ثمود که یکی از امت‌های قدیمی عرب بودند که در سرزمین یمن در احقاف می‌زیسته‌اند و خداوند متعال صالح را از خود آنان مبعوث نمود. صالح قوم خود را که مانند قوم نوح و هود مردمی بت‌پرست بودند به دین توحید دعوت نمود. سرانجام قوم ثمود که معجزه پیامبر را انکار کردند و با دستورات صالح مخالفت کردند گرفتار شدن به عذاب رجفه و درجا مردن در خانه‌هایشان بود.

داستان بعدی در مورد قوم لوط می‌باشد. وحدت سیاق اقتضا داشت که هم چنان که در داستان هود(ع) و صالح فرمود: «وَالِیْ عَادٍ اٰخَاهُمْ هُوْدًا» و «وَالِیْ ثَمُوْدٍ اٰخَاهُمْ صَالِحًا» در اینجا «و الی فلان اخاهم لوطا» بیاید و اگر در خصوص قوم لوط سیاق را تغییر داده و بعد از ذکر داستان آن قوم مجدداً به سیاق قبلی برگشته و فرموده: «وَالِیْ مَدَیْنٍ اٰخَاهُمْ شُعَیْبًا» برای این بوده که لوط از پیروان شریعت ابراهیم بود ولی هود(ع) و صالح از پیروان شریعت نوح بودند، لوط از بستگان ابراهیم بود که به سوی اهل سدوم فرستاده شد، تا آنان را که مشرک و بت‌پرست بودند، به دین توحید دعوت کند. لوط آن‌ها را از اعمال زشتی که انجام می‌دادند نهی کرد ولی آن‌ها نپذیرفتند و با نوعی از باران هلاک شدند. «وَالِیْ مَدَیْنٍ اٰخَاهُمْ شُعَیْبًا» این آیه عطف است بر داستان نوح، چون شعیب مانند نوح و انبیای قبل از خود دعوت خویش را بر اساس توحید قرار داده بود و از فساد نهی می‌کرد ولی قوم او را تکذیب کردند و با عذاب رجفه نابود شدند.

«ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَى» در ابتدای داستان موسی(ع) لحن آیات و سیاق آن تغییر یافته، بدان سبب که اهمیت داستان آن جناب را برساند، چون دین توحید بعد از دو مرحله‌ای که در بعثت نوح و ابراهیم داشت احکامش مفصل‌تر گردید(طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۸ / ۲۶۹-۲۱۸). این داستان‌ها داستان اقوامی است که پیامبران در میانشان مبعوث شدند و جریان حال اقوام و رفتاری که با پیامبران خود کرده‌اند. سرانجام انکارشان عذاب الهی بوده که همه را از بین برده و منقرضشان نموده، لذا تمامی این داستان‌ها به آیاتی ختم شده که کیفیت نزول عذاب و هلاکت آنان را بیان می‌کند. غرض از این آیات بیان حال مردم از حیث قبول عهد الهی و رد آن است تا برای مردم و مخصوصاً امت اسلام انذار و مایه عبرت بوده باشد. سوره‌هایی که ابتدای آن‌ها "الف لام میم" آمده در یک غرض مشترکند، و آن انذار و تذکر مردم است.

در آیه ۱۶۳ و ۱۶۴ داستان اصحاب السبت آمده است: «وَسُئِلُهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةً الْبَحْرِ» که بر کنار دریای «ایله» بود. هنگامی که در روز شنبه، با شکار ماهی از حد خود تجاوز می کردند. آن‌ها بخاطر گناهشان، این طور آزمایش می شدند (طبرسی، ۱۳۸۴ ش: ۱۰/۱۱۳-۹۳).

در تمام این داستان‌ها و داستان هود(ع) سرانجام مخالفت با آیات و دستورات الهی را بیان کرده است و با آیات ابتدایی سوره اعراف مطابقت دارد. داستان مردمی که نافرمانی کردند به پیامبر یادآور می شود که اگر مردم سخنان تو را نمی پذیرند احوال پیامبران قبل از تو چنین بوده است و سرانجام آن‌ها را آورده تا مایه دلداری پیامبر باشد.

### سوگندهای سوره

در سوره اعراف خداوند از واژه‌های سوگند یا از کلمه خاصی برای سوگند استفاده نکرده است. سوگندهایی که در سوره آمده است مربوط به لام قسم است که در آیات مختلفی به چشم می خورد از جمله آیات: ۶، ۷، ۱۱، ۱۶، ۱۸، ۲۳، ۵۲، ۵۹، ۷۹، ۸۸، ۹۰، ۹۳، ۱۰۱، ۱۲۴، ۱۳۴، ۱۴۹، ۱۶۷ و ۱۸۹. یک نمونه از آیاتی که با لام قسم در سوره اعراف آمده مورد تحلیل قرار خواهد گرفت: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ» نخست داستان نوح را ذکر فرموده، چون نوح اولین پیامبری است که تفصیل نهضت او در قرآن ذکر شده است. لام در کلمه «لقد» برای قسم است، و به منظور تاکید مطلب آمده، چون روی سخن با مشرکین منکر نبوت می باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش: ۸/۲۱۸). عرف عرب این است که در تاکید دیده‌ها و شنیده‌ها به قسم متوسل می شوند (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق: ۱۷/۱۱۷). علاوه بر این برای توجه دادن به مطلب از سوگند استفاده شده است (پژوهشهای زبان شناختی قرآن، شماره ۱، ۱۲۸-۱۱۱).

با بررسی آیاتی که در آن‌ها لام قسم آمده است این نتیجه حاصل شده که بیشترین مورد تاکید و توجه با استفاده از لام سوگند مربوط به ارسال رسل، ۳ بار در سوره تکرار شده است. در مورد ابلاغ رسالت توسط رسل ۳ بار تکرار شده و رحم و مغفرت خداوند در سوره ۲ بار با لام سوگند آمده است.

### نتیجه گیری

آیات مربوط به داستان هود(ع)، با دعوت توحیدی آغاز شده ولی اشراف و بزرگان کافر او را مورد تهمت سفاهت و کذب قرار دادند و با تبعیت از پیشینیان از هود(ع) در خواست عذاب کردند. موضوعات مطرح شده در سیاق‌ها در راستای غرض و محور اصلی سوره سرانجام مخالفت با آیات و احکام الهی را ترسیم می نمایند.

ابتدا و انتهای سوره که خطاب به پیامبر(ص) و تسلی خاطر ایشان در برابر رفتارهای مردم می باشد در همین راستاست.

سیاق‌های سوره در ارتباط با سیاق هود(ع) و در جهت هدف سوره، علت عدم پذیرش توحید، تکذیب آیات و سرکشی از سوی مشرکان و کافران را تبعیت از نیاکان و غفلت بیان می‌کند که موجب ظلم به خویشتن و وارد شدن به عذاب می‌شود.

ذکر واژه «رَب» در آیات مختلف سوره، اشاره به توحید ربوبی است که خداوند را به عنوان خالق قبول داشتند ولی در توحید ربوبی دچار شرک و انکار بودند، به همین دلیل واژه «رَب» در آیات مختلف سوره و در سیاق‌های مختلف تکرار شده است.

محتوای داستان‌های سوره تبعیت از هوای نفس است که آن را تبعیت از شیطان می‌داند که با ادامه دادن و اصرار بر این کار در زمره مکذبان می‌شوند و به عذاب الهی گرفتار می‌آیند. داستان‌های سوره سرانجام مخالفت با دستورات خدا را بیان کرده است.

بیشترین سوگند سوره بر ارسال رسل است که تبعیت از رسولان و ایمان آوردن به آن‌ها موجب رستگاری و داخل شدن در رحمت خداوند خواهد شد. داستان قوم هود(ع) نیز که یکی از داستان‌های مطرح شده در سوره اعراف است، با هدف سوره و سیاق‌های دیگر کاملاً مطابقت دارد.

پیوستگی تمام اجزای سوره از نظر لفظی و معنایی در سوره اعراف به اثبات رسید و به شبهات در زمینه عدم پیوستگی متن قرآن می‌توان پاسخ داد.

## منابع

### قرآن کریم

امین، نصرت، بی تا، *مخزن العرفان در علوم قرآن*، بی‌جا، بی‌نا.  
 جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۰ ش، *تفسیر تسنیم*، قم، اسرا.  
 خامه‌گر، محمد، ۱۳۹۲ ش، *ساختار سوره‌های قرآن کریم*، قم، نشر.  
 خامه‌گر، محمد، ۱۳۹۵ ش، *ساختار هندسی سوره‌های قرآن*، سازمان تبلیغات اسلامی سازمان چاپ و نشر بین الملل.

راغب اصفهانی، حسین، ۱۳۹۶ ش، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*، مترجم غلامرضا خسروی حسینی، تهران، مرتضوی.

رشیدرضا، محمد، ۱۴۱۱ ق، *تفسیر المنار*، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب.

رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۸۷ ش، *تفسیر قرآن مهر*، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ ق، *الدر المنثور*، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی.

سیوطی، جلال الدین، ۱۴۱۶ ق، *الاتقان*، لبنان، دارالفکر.

طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴ ش، **تفسیر المیزان**، مترجم محمدباقر موسوی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۲ ق، **جوامع الجامع**، مصحح ابوالقاسم گرگی، قم، حوزه علمیه قم مرکز مدیریت، قم.

طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۸۴ ش، **مجمع البیان**، مترجم حسین نوری همدانی، تهران، فراهانی.

فخر رازی، محمدبن عمر، ۱۴۲۰ ق، **التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

لسانی فشارکی، محمدعلی؛ مرادی زنجانی، حسین، ۱۳۹۴ ش، **سوره شناسی**، قم، نصاب.

معرفت، محمدهادی، ۱۳۷۳ ش، **تناسب آیات**، قم، بنیاد معارف اسلامی مرکز نشر.

مغنیه، محمد جواد، ۱۳۷۸ ش، **تفسیر کاشف**، مترجم موسی دانش، قم، بوستان کتاب.

#### مقالات

خامه گر، محمد؛ نقی زاده، حسن؛ رضایی کرمانی، محمدعلی، «اعتبار سنجی رهیافت‌های کشف استدلالی

**غرض سوره‌های قرآن**»، پژوهش‌های قرآنی، ۱۳۹۵ ش، دوره ۲۱، شماره ۲، ۴-۲۵.

شفق، محمدحسن، «روش تفسیری سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن»، مجله منهاج، ۱۳۸۶ ش، دوره ۵،

شماره ۱، ۱۲۵.

فرامرزی، جواد؛ خلیلی، میثم، «مقاله تحلیل ساختار داستان ضیف ابراهیم(ع) و قوم لوط(ع) در رکوع هفتم

**سوره هود**»، پژوهشنامه معارف قرآنی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۷ ش، دوره ۹، شماره ۳۲، ۷۷-۱۰۳.

کدخدایی، مرضیه السادات؛ صمدانیان، محسن، «باز خوانی معنا شناسی سوگندها در سوره فجر با محتوای

آن»، پژوهش‌های زبان شناختی قرآن، ۱۳۹۸ ش، دوره ۸، شماره ۱، ۱۱۱-۱۲۸.

#### COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

**ارجاع:** راحتی بلاباد مهناز، آل رسول سوسن، پارسائی تهمینه، روش استخراج علوم انسانی قرآن بنیان مطالعه

موردی: تحلیل ساختاری آیات مربوط به داستان هود(ع) در سوره اعراف در اثبات پیوستگی متن قرآن کریم،

فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۵، شماره ۵۹، پاییز ۱۴۰۳، صفحات ۱۲۲-۱۰۷.